

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال دوازدهم، شماره بیست و سوم (بهار و تابستان ۱۴۰۴)



هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- جعفر بستان (نجفی) (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)
- سید جواد حسینی گرگانی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)
- محمدجعفر طبسی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)
- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)
- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)
- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)
- محمد قائینی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)
- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)
- علی نهاوندی (استاد خارج حوزه علمیه قم)
- سعید واعظی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

دوفصلنامه فقه و اجتهاد بر اساس نامه شماره ۱۲۱۲۳
شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه‌های
علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۶/۱ از شماره دهم به رتبه
علمی - پژوهشی ارتقا یافته است.

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار
معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد
تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴ / دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۵۸۸
سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com
پست الکترونیکی: mags@markazfeqhi.com
چاپ: گلها - قم / قیمت: ۲۰۰ هزار تومان
نمایه شده در پایگاه‌های:
Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)
Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)

صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار

مدیر مسئول:

آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر:

علی نهاوندی

دبیر تحریریه:

محمدجواد نصر آزادانی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

محمد شیرینکار موحد

مترجم انگلیسی:

علی رشیدآبادی

مترجم عربی:

علی فراهانی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه‌آرا:

محسن شریفی



مؤسسه استادی و پایش علم و فناوری
جهان اسلام (ISC)



The Jurisprudential Ruling on Strengthening the Uterus with Proteins Found in the Semen of a Stranger (non-husband)

*Seyed Hedayatollah Mir Salari*¹

Abstract

Recently, scientists have realized that if non-sperm components of semen (such as proteins) are transferred to the uterus of a woman in the form of an ointment, it is useful for strengthening the uterus to protect the fetus. Therefore, from a jurisprudential perspective, there is room for reflection as to whether it is permissible to transfer these components of semen from a non-husband man to the uterus of a woman, even though the components do not contain sperm. The following article explains, using a descriptive-analytical method and using library resources, how expressions such as the prohibition of "ejaculating semen" and "conferring sperm", etc., which are found in verses and narrations related to the ruling on the issue, have been used to argue for the prohibition of the act of transferring non-sperm components of a stranger's semen into the uterus, and how close the argument to the generality or universality of these expressions is to proving this prohibition. After approximating the argument by explaining the contradictions in the evidence, the implication of the texts clearly shows that the narrated evidence of prohibition is related to forbidden sexual and consummatory acts or, at most, related to procreation and the production of children, and does not include the prohibition of the transfer of non-spermic components of semen. Therefore, after excluding the ijthadi proof for this assumption, the principle of innocence and permissibility of using this drug to strengthen the uterus is proven.

Keywords: Non-sperm, Uterus, Strengthening, Ruling, Jurisprudence, Transfer.

1. Graduate of the Educational-Research Complex of the Holy Imams (peace be upon them);
sayedhedayatm@gmail.com

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال دوازدهم، شماره بیست و سوم (بهار و تابستان ۱۴۰۴)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۷

حکم فقهی تقویت رحم با پروتئین موجود در منی مرد اجنبی

سید هدایت‌الله میر سالاری^۱

چکیده

به‌تازگی دانشمندان به این نکته پی برده‌اند که اگر اجزای غیر اسپرمی منی (مثل پروتئین‌ها) در قالب پمادی به رحم زن اجنبیه منتقل گردد، برای تقویت رحم جهت حفاظت از جنین مفید است، بنابراین از منظر فقهی جای این تأمل باقی است که آیا این اجزاء منی مرد اجنبی اگر چه اسپرم در آنها نیست، انتقالش به رحم اجنبیه جایز است یا خیر؟ مقاله پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تبیین می‌نماید که چگونه تعابیری مثل حرمت «افراغ ماء» و «اقرار نطفه» و... که در آیات و روایات مرتبط با حکم مسئله وجود دارد، مورد تمسک برای استدلال به حرمت عمل انتقال اجزای غیر اسپرمی منی مرد بیگانه به رحم قرار گرفته است، و استدلال به اطلاق یا عموم این تعابیر برای اثبات این حرمت چه تقریبی دارد. و پس از بیان استدلال بر حرمت، با اشاره به مناقشاتی بر ادله نتیجه می‌گیرد که ادله و متون نقلی مانع، مربوط به اعمال نهی شده جنسی و استمتاعی یا حداکثر مربوط به استیلا و تولید فرزند است و شامل منع از انتقال اجزای غیر اسپرمی منی نمی‌شود؛ بنابراین بعد از عدم شمول ادله اجتهادی نسبت به این فرض، با اصل براءت و اباحه حلیت و جواز استفاده از این دارو برای تقویت رحم اثبات می‌گردد.

واژگان کلیدی: غیر اسپرم، رحم، تقویت، حکم، فقه، انتقال.

مقدمه

منی مرد، دارای دو جزء است: یکی اسپرم و دیگری اجزای غیر اسپرمی مثل پروتئین. مسئله انتقال اسپرم منی مرد به رحم اجنبیه برای تولید نسل بحثی است که در مباحث لقاح مصنوعی مورد توجه است؛ لکن اخیراً دانشمندان به این کشف رسیدند که تقویت رحم و تخمدان زن به وسیله پروتئین موجود در منی مرد امکان‌پذیر است و یکی از پروتئین‌های موجود در منی، روی مغز زنان تأثیر می‌گذارد و تخمک‌گذاری را تحریک می‌کند. این پروتئین، همان مولکولی است که رشد، محافظت و ادامه زندگی نوروها را کنترل می‌کند. این یافته‌ها نشان دادند که ممکن است منی به عنوان یک پیام‌رسان عمل کند و باعث ترشح سایر هورمون‌هایی شود که در تحریک تخمک‌گذاری نقش مهمی ایفا می‌کنند. (/full2018.00291/fimmu.10.3389https://www.frontiersin.org/articles/) به همین لحاظ نسبت به حکم فقهی انتقال این پروتئین به رحم زنان در قالب یک پماد تقویتی، ایجاد شبهه شده است که آیا این عمل از جهت فقهی مجاز است یا خیر؟

این ابهام از آنجایی نشأت گرفته که از یک طرف بنا بر نظر فقهای که انتقال منی یا انتقال اسپرم مرد اجنبی به رحم زن اجنبیه را جایز نمی‌دانند؛ ممکن است به طور کلی انتقال منی یا هر کدام از اجزای جداگانه آن ولو اجزای غیر اسپرمی به رحم زن، جایز نباشد و ممکن است بنا بر نظر همین فقها انتقال اجزای غیر اسپرمی از نظر فقه منعی نداشته باشد؛ چراکه ادله عدم جواز، مربوط به استیلا و استیلا ناشی از اسپرم است؛ لذا تنها انتقال اسپرم حرام است. از سویی بر مبنای فقهای که انتقال اسپرم را به رحم زن اجنبی از طریق غیر زنا (دستگاه) جایز می‌دانند، به طریق اولی انتقال اجزای غیر اسپرمی که استیلادی با آن انجام نمی‌شود، جایز است.

با توجه به اینکه پژوهش‌های سابق‌براین اعم از کتب و مقالات، اصل مسئله انتقال جنین یا اسپرم یا تخمک اجنبی به رحم زن مورد توجه بوده است و تحقیقی در ارتباط با حکم تکلیفی انتقال جزء غیر اسپرمی منی، سابق‌براین نوشتار انجام نشده است از جمله آثار مرتبط میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. فاضل لنکرانی، محمد جواد، تلخیص مصنوعی، مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۳۸۷.

نگارنده درباره حکم تکلیفی و حکم وضعی انتقال اسپرم یا جنین به رحم اجنبی

و آثار و پیامد حقوقی آن بحث کرده و به این نتیجه می‌رسد که تمسک به اصل عملی اصالة البرائة در تلقیح مصنوعی یک اقدام عقلی و شرعی است. اما در پژوهش پیش رو بحث از حکم تکلیفی و وضعی انتقال اجزای غیر اسپرمی منی، است.

۲. مرتضوی، سید محسن، تلقیح مصنوعی در آیینه فقه، بوستان کتاب، ۱۴۰۰.

نویسنده، اقسام تلقیح مصنوعی و روش‌های آن را تبیین و احکام تکلیفی و وضعی اقسام را با توجه به ادله جواز یا عدم جواز انتقال اسپرم مرد به رحم اجنبیه تعیین نموده و هیچ‌گونه تعرضی به حکم انتقال اجزای غیر اسپرمی منی اجنبی نداشته است.

به همین خاطر ضرورت دارد که پژوهش فقهی دقیقی نسبت به حکم فقهی تقویت رحم زن اجنبیه با استفاده از پروتئین موجود در منی مرد اجنبی مورد توجه قرار گیرد، این نوشتار می‌کوشد تا با استفاده از تطبیق ادله جواز و عدم جواز تلقیح مصنوعی بر این عنوان مورد نظر حکم فقهی این مسئله را تبیین نماید.

۱. بررسی موضوع‌شناسی پزشکی مسئله انتقال اجزای غیر اسپرمی منی

ابتدا اجزای تشکیل‌دهنده منی از نظر موضوع‌شناسی پزشکی مورد توجه قرار گرفته سپس موضوع‌شناسی فرایند تقویت رحم و تخمدان زن بررسی و در مرحله بعد اثبات می‌شود به لحاظ پزشکی برخی از اجزای غیر اسپرمی منی در فرایند تقویت رحم و تخمدان زن جهت باروری مؤثر هستند و بعد از این مراحل چندگانه موضوع‌شناسی، نوبت به بررسی فقهی حکم شرعی انجام این عمل پزشکی مؤثر و مهم، می‌رسد.

۱-۱. بررسی ساختار پزشکی اجزاء سلولی تشکیل‌دهنده منی

مایع منی علاوه بر اسپرم دارای مقادیر مختلفی از ترکیبات دیگر همچون آب، قند، پروتئین، ویتامین C، روی، کلسترول و... است که میزان طبیعی هرکدام از این مواد برای کیفیت مناسب اسپرم‌ها و عملکرد صحیح آنها ضروری است.

علاوه بر این، برای شناخت بیشتر فیزیولوژیکی منی باید دانست که منی از

پیازی میزراهی ترکیب می‌شود. کیسه‌های منی یک مایع چسبناک و سرشار از فروکتوز تولید می‌کنند. این مایع حدود ۶۵ الی ۷۰ درصد از ساختار مایع منی را تشکیل می‌دهد. (<https://www.frontiersin.org/articles/full/2018.00291/fimmu.10.3389>)

رنگ سفید منی به دلیل ترشحات حاصل از غدد پروستات است. این ترشحات حاوی آنزیم‌ها، سیتریک اسید، لیپیدها و اسید فسفاتاز هستند که همگی با هم حدود ۲۵ الی ۳۰ درصد از ساختار منی را تشکیل می‌دهند. در هر انزال، حدود ۲۰۰ الی ۵۰۰ میلیون اسپرم توسط بیضه‌ها آزاد می‌شود که این اسپرم‌ها حدود ۲ الی ۵ درصد از ساختار منی را تشکیل می‌دهند.

غدد پیازی میزراهی ترشحات شفافی تولید می‌کنند که به حرکت سلول‌های اسپرم در واژن و دهانه رحم کمک می‌کنند. ترشحات غدد، کمتر از یک درصد از ساختار کل منی را تشکیل می‌دهند.

منی همچنین حاوی بیش از پنجاه ترکیب مختلف از جمله هورمون‌ها، اندورفین‌ها، انتقال‌دهنده‌های عصبی و سرکوب‌کننده‌های ایمنی و فروکتوز، اسکوربیک اسید، زینک، کلسترول، پروتئین، کلسیم، کلرین، دی‌ان‌آ، آنتی‌ژن‌های گروه خونی، سیتریک اسید، منیزیم، ویتامین B12، فسفر، سدیم، پتاسیم، اوریک اسید، اسید لاکتیک، نیتروژن و ویتامین C است. همچنین شامل انواع مختلفی از پروتئین‌هاست که دارای فعالیت ضد میکروبی در برابر باکتری‌ها، ویروس‌ها و قارچ‌ها هستند. (<https://www.frontiersin.org/articles/full/2018.00291/fimmu.10.3389>)

۱-۲. بررسی ساختار پزشکی رحم زن و اهمیت آن در هنگام بارداری

بعد از بررسی ساختار منی باید به بررسی پزشکی رحم و اجزای آن و عوامل مؤثر بر آن جهت بارداری و عوامل دیگر مؤثر در بارداری مثل تخمدان‌ها پرداخته شود و در مرحله بعد رابطه تأثیر اجزای غیر اسپرمی منی بر رحم و بر اندام مؤثر در بارداری؛ مثل تخمدان‌ها مورد توجه قرار گیرد تا مطلب شناسایی موضوع در این نوشتار تکمیل گردد.

پس از برقراری یک رابطه جنسی، رحم مکانی است که تخمک‌های بارور شده و اسپرم در این محل با یکدیگر تلقیح می‌شوند. در واقع رحم وظیفه نگهداری از

تخمک‌های بارور شده را بر عهده داشته و در طول بارداری به عنوان نخستین خانه جنین نقشی تأثیرگذار بر رشد او تا هنگام تولدش خواهد داشت.

(xml161/R5/146https://rep.bioscientifica.com/view/journals/rep/)

۱-۳-۱. امکان تقویت رحم با منی بدون اسپرم اجنبی

بعد از بررسی ساختار پزشکی منی و ساختار رحم و عوامل دیگر مؤثر در بارداری، در مرحله سوم به لحاظ پزشکی باید این نکته مورد بررسی قرار بگیرد که چگونه رحم با تزریق اجزای غیر اسپرمی منی مرد اجنبی تقویت می‌گردد و اثر این فرایند تزریق چیست؟

۱-۳-۱-۱. تقویت رحم و تخمدان‌ها

با توجه به نقش و وظایف مهمی که این اندام تحتانی و ماهیچه‌ای در بدن زنان ایفا می‌کند؛ باید به آن توجه داشت و مداوم تحت مراقبت‌های بهداشتی و درمانی قرار گیرد. چنانچه در رحم عمل لقاح به درستی صورت نگیرد یا رحم قادر به نگهداری جنین نباشد؛ احتمال نازایی و سقط جنین بسیار زیاد خواهد بود. بنابراین چنین افرادی قبل از هر اقدامی برای بارداری باید برای تقویت رحم خود اقدام کنند. برای این که زنی بتواند تخمک سالم تولید کند باید در مدت عادت ماهیانه، قدرت باروری خود را افزایش دهد تا بعد از رابطه جنسی، تخمک سالم با اسپرم قوی و سالم مرد ترکیب شده و بارور شود. (xml161/R5/146https://rep.bioscientifica.com/view/journals/rep/)

تقویت رحم یکی از مهم‌ترین مسائل زنان‌ای است که به دلیل نقش مهم این اندام در هنگام بارداری و پریودی باید مورد توجه قرار گیرد. در دوران بارداری و قاعدگی به دلیل ایجاد تغییراتی در هورمون‌های بدن زنان، تغییراتی نیز در این قسمت از بدن نیز رخ خواهد داد. (همان)

۱-۳-۲. اثر تقویتی فیزیولوژیکی اجزای منی بر تقویت رحم

پس از بررسی مقدمات، باید دید آیا تقویت رحم و تخمدان به عنوان اسباب بارداری در جنس مؤنث به لحاظ پزشکی، امکان تقویت‌شان با اجزای غیر اسپرمی

منی مرد اجنبی وجود دارد یا نه؟ برای روشن شدن این نکته به بیان اجمالی نتایجی جدید در علم پزشکی در این زمینه پرداخته می شود.

یکی از نتایج پزشکی مهم در ارتباط با اثر تقویتی منی بر تخمک گذاری زن این است که: طبق مطالعه‌ای که توسط محققان دانشگاه ساسکاچوان انجام شد، مشخص شد که یکی از پروتئین‌های موجود در منی روی مغز زنان تأثیر می‌گذارد و تخمک‌گذاری را تحریک می‌کند. این پروتئین همان مولکولی است که رشد، محافظت و ادامه زندگی نوروها را کنترل می‌کند. این یافته‌ها نشان دادند که ممکن است منی به عنوان یک پیام‌رسان عمل کند. این پیام‌رسان از طریق هیپوتالاموس و غده هیپوفیز، تأثیر می‌گذارد و باعث ترشح سایر هورمون‌هایی می‌شود که در تحریک تخمک‌گذاری موثرند.

(/full2018.00291/fimmu.10.3389https://www.frontiersin.org/articles/)

از آنجایی که این اثر تقویتی بر رحم و بر فرایند تولید تخمک مربوط به پروتئین موجود در منی است و جنس اسپرم هم از نوع پروتئین‌ها نیست، معلوم می‌گردد که اجزای غیر اسپرمی منی، اثر مثبتی بر روی رحم و تخمدان زن دارند و این اثر نه تنها در منی شوهر این زن وجود دارد؛ بلکه در پروتئین موجود در منی مردهای دیگر هم یافت می‌شود؛ لذا اخیراً دانشمندان علم پزشکی دریافتند که برای تقویت رحم از طریق انتقال پمادی حاوی این پروتئین به رحم زن یا از طریق تزریق مایعی حاوی این پروتئین، این تقویت را جهت درمان ناباروری برخی از زنان انجام دهند. با توجه به مقدمات بیان شده و تبیین این عکس‌العمل مثبت رحم زن به پروتئین موجود در منی، ولو مرد اجنبی، این مسئله فقهی مطرح می‌شود که آیا تقویت رحم زن اجنبی با استفاده از انتقال این پروتئین که جزئی از منی مرد اجنبی است جایز است یا خیر؟

۲. بررسی حکم فقهی

برای بررسی حکم فقهی این مسئله می‌بایست عباراتی که در ادله فقهی - آیات و روایات - وجود دارد و ادعا شده عناوین مورد نهی موجود در این نصوص شامل موضوع مورد بحث این نوشتار می‌شود، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد که آیا این عناوین منهی‌عنه شامل مورد بحث حاضر می‌شود یا خیر؟ لذا تک‌به‌تک این عناوین

و شمول آن و مناقشات در این شمول مورد دقت و بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. تطبیق عناوین نصوص مسئله

ابتدا تلاش فقهایی که ممکن است منجر به تطبیق و شمول عناوین مورد نهی نسبت به عنوان مسئله مورد توجه در این نوشتار شود تبیین می‌گردد سپس مناقشاتی نسبت به آن بیان می‌شود.

۲-۱-۱. شمول لزوم حفظ فرج

آیات ۳۰ و ۳۱ نور می‌فرماید: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ * وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ؛ «به مؤمنان بگو چشم‌های خود را فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند... و به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را فرو گیرند و دامان خویش را حفظ و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، و...».

مفاد این آیه حرمت نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم (مگر مواضعی که نپوشاندن آنها متعارف است) و لزوم حفظ فرج است و این امر هم اطلاق دارد و به اعمال جنسی مثل جماع یا مساحقه یا مثل نظر و نگاه اختصاصی ندارد. مفاد این آیه امر به تحفظ بر فرج است از هر چیزی که با فرج مناسب است و همان‌طور که اعمال جنسی مثل زنا و امورات دیگر مثل استیلا با فرج مناسبت دارد، ورود اجزای غیر اسپرمی منی مرد اجنبی هم با فرج مناسبت دارد و این مناسبت روشن است چرا که منی مرد کاملاً مرتبط با فرج زن است و امر شدن زن در این آیه به حفظ فرج خود منظور همین موارد است پس اطلاق آیه شامل حفظ فرج از منی مرد اجنبی ولو اجزای غیر اسپرمی آن می‌شود و اینکه در زمان‌های سابق آیه مصادیق محدودتری داشته موجب نمی‌شود اطلاقی برای آیه شکل نگیرد و آیه به آن مصادیق اختصاص پیدا کند. (قائینی، ۱۴۰۰، <https://Bzn.ir/bb037v>) بنابراین آیه وجوب حفظ فرج بر مردان فقط بر حرمت زنا دلالت ندارد؛ بلکه حتماً بر حرمت لواط نیز دلالت دارد و شاهد آن اینکه در برخی روایات برای حرمت استمنا به همین آیات استدلال شده است. (حر

به هر حال اگر در لسان شارع امر به «حفظ فرج» شده است با مراجعه به عرف، معنا و مصادیق و حدود و ثغور این تحفظ معلوم می‌گردد و در این مورد، قضاوت عرف این است که حفظ فرج از منی و اجزای منی ولو اجزای غیر اسپرمی مورد نظر شارع در بیان «واحفظن فروجهن» هست.

مناقشه در شمول

در مقابل این تقریب استدلال گفته می‌شود که از تفاسیر این آیه‌ها برمی‌آید که مردان و زنان بایستی فرج و عورت خود را از فواحش و غیرمباحات، حفظ کنند و برای آن مثال‌هایی نظیر زنا، استمناء، لواط، لمس، نگاه و عاریه دادن کنیز به دیگران برای کام‌جویی آورده شده است؛ مثلاً علامه طباطبایی حفظ فرج را در آیه ۵ مؤمنون کنایه از دوری از نزدیکی معنا نموده‌اند، با زنا یا لواط یا دخول بر حیوانات و... (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۱۵، ص ۹) و می‌فرماید: حفظ به صورت مطلق واجب است، مگر از دو گروه و هرکسی، جز این دو گروه را برای کام‌جویی بطلبد، متجاوز است. (همان) و یا مثل زمخشری حفظ فرج را در همه حالاتها و زمانها لازم دانسته است، جز بر حالتی که ازدواج کرده باشد یا کنیز داشته باشد؛ یعنی همسر و کنیز حدود مرز حفظ هستند. (زمخشری، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۱۷۷)

توضیح اشکال: اولاً آیه در هر زمان و حالتی، اعمال و رفتاری را که با حفظ فرج ناسازگار است ممنوع نموده، نه هر فعل مرتبط با عورت را؛ مثل درمان بیماری آن و مثل تقویت رحم از راه فرج توسط اجزای غیر اسپرمی منی؛ به عبارت دیگر، از استثنای دو گروه در آیه فهمیده می‌شود که متعلق حفظ، افعال و کارهای حرام هستند و نگه‌داری عورت از فعل حرام واجب است؛ چون تنها امور حرام با حفظ فرج ناسازگار هستند و این از تفاسیر که اجمالاً ذکر شد، به خوبی روشن است. در این صورت، اگر به یقین عنوان خاص، مصداق مشکوک را فرانگرفته باشد (مثل اجاره رحم که عنوان زوجیت و عنوان ملک یمین، آن را فرانمی‌گیرد)، نمی‌توانیم با خود عام، حکم مصداق مشکوک را بیان نماییم (مثلاً حرمت اجاره رحم را استفاده کنیم). (رضانیا معلم، ۱۳۸۲، شماره ۳، صص ۴۲ - ۵۰) و یکی از مصداق‌های مشکوک که با تمسک به عام نمی‌شود حکم آن را مشخص کرد مسئله انتقال اجزای

غیر اسپرمی منی توسط پزشک (داروی تقویتی رحم) است؛ لذا عمومیت تحفظ بر فرج شامل آن نیست و با تمسک به اصل براءت و اباحه حکم جواز آن روشن است. ثانیاً می‌توان گفت که تردیدی نیست که آیه دلالت بر حفظ فرج می‌کند، بدون این‌که به نحوه حفظ و وسایل حفظ اشاره‌ای کرده باشد. در این صورت، نمی‌توان به اصل معروف و مشهور «حذف متعلق مفید عموم» استناد کرد و آیه را شامل مصادیق مشکوک دانست؛ زیرا این اصل یک ادعای بدون دلیل است و هیچ‌گاه به عنوان یک اصل تبعیدی پذیرفته نشده است.

به‌اضافه، از نظر زبان‌شناسی و گفت‌وگوهای عرفی، علت حذف قسمتی از کلام به دلیل روشن بودن آن نزد مخاطب است، به گونه‌ای که متکلم خود را از تصریح به آن بی‌نیاز می‌داند. در این‌گونه موارد، برداشت معنای عام یا خاص از کلام به مناسبات عرفی و قرائن همراه با کلام بستگی دارد:

اگر حذف‌شده کلام، نزد مخاطب مشخص باشد؛ ولی در اطلاق و تقييد آن تردید شود، می‌توان به «اصالة الاطلاق» استناد نمود، اما اگر حذف‌شده برای مخاطب مشخص نباشد، به دلیل اجمال و تردید بین دو مفهوم، نمی‌توان به «اصالة الاطلاق» استناد نمود و یکی از آن مفاهیم را برگزید؛ زیرا اجرای اصل اطلاق بستگی به تعیین مفهوم دارد و گرنه باید به قدر متیقن اکتفا کرد.

در تطبیق استدلال بالا بر موضوع بحث می‌توان گفت: اگر کلام حذف‌شده را تشخیص داده و مفهومش روشن باشد و آیه بتواند مورد بحث (انتقال اجزای غیر اسپرمی منی به رحم برای تقویت آن) را فراگیرد، در این صورت استناد به آیه صحیح خواهد بود؛ ولی اگر کلام حذف‌شده تشخیص داده نشود، باید به قدر متیقن از موضوع له لفظ اکتفا کرد و قائل شد که آیه تنها روابط مستقیم و جنسی (همانند زنا) را شامل می‌شود. (نجفی یزدی، ۱۴۰۲، <https://B2n.ir/kd9754>)

بنابراین، عرفاً متعلق حفظ فرج مأمور به آیه، تمام امورات مناسب با فرج نیست؛ بلکه امورات زشت و جنسی و حرام مربوط به فرج است و اگر پذیرفته شود که متعلق تحفظ، امورات مربوط و مناسب با فرج از جمله استیلا است آیه بر امر به تحفظ فرج از تلقیح‌های مصنوعی و انتقال اسپرم یا تخمک یا جنین بیگانه دلالت

دارد؛ لکن نسبت به اموراتی که مربوط به استیلااد و تکون ولد نیستند امر به تحفظ، عمومیتی ندارد و از جمله این موارد انتقال اجزای غیر اسپرمی منی مرد اجنبی به رحم زن برای تقویت آن نه برای استیلااد است.

اگر قائلی بگوید انتقال این اجزاء برای تقویت رحم جهت نگهداری ولد و جذب بهتر جنین است پس از امورات مرتبط با استیلااد است و امر به تحفظ بر فرج شامل آن است. در پاسخ گفته می‌شود اموراتی که تأثیری در تکون ولد ندارند لکن شرایط و زمینه را فراهم می‌کنند از امور استیلاادی مورد نظر تحفظ بر فرج نمی‌باشد. بعلاوه بلحاظ موضوع‌شناسی، امروزه کشف شده است که این اجزای غیر اسپرمی منی در درون رحم پیام‌هایی برای تعیین رنگ پوست یا رنگ چشم یا خصوصیات اخلاقی فرزند درون رحم صادر می‌کنند و تأثیراتی از این قبیل بر روی فرزند تشکیل شده از اسپرم شوهر همین زن می‌گذارد (طباطبائی قمی، ۱۴۰۱، <https://B2n.ir/kd9754>) شاید این نکته فنی پزشکی، این موضوع انتقال اجزای غیر اسپرمی منی بیگانه را از مناسبات استیلااد و فرج و تحفظ بر فرج بنماید و این مصداق از شبهه بودن خارج شود و تحت عام باقی بماند؛ لکن در پاسخ گفته می‌شود که خیر، از منظر عرف و لو عرف متخصصین چنین تأثیراتی این مورد را از مناسبات استیلااد و تکون و به وجود آمدن ولد قرار نمی‌دهد، البته تأثیرات جزئی جانبی‌ای دارد، همان‌طوری که خوردن برخی از غذاها و بعضی از داروها یا میوه‌ها بر رنگ، پوست و شمایل فرزند اثرگذار است، و این‌گونه تأثیرات از عوامل مختلفی ناشی می‌گردد که مناسب با فرج و حفظ آن و استیلااد از راه فرج نیست، بنابراین، این مصداق از تحت اطلاق تحفظ بر فرج یا خارج شده یا مشکوک می‌گردد و تحت وجوب حفظ باقی نمی‌ماند و انتقال آن به رحم جهت تقویت آن بدون اشکال خواهد بود.

۲-۱-۲. شمول آیات نهی از فحشا

ممکن است برای حرمت تکلیفی انتقال این داروی تقویتی رحم که با اجزای غیر اسپرمی منی اجنبی تولید شده است به آیات نهی از فحشا استدلال گردد. به این بیان که فحشا یعنی کاری که قبیح و زشت است و در آیات متعددی از ارتکاب فواحش

نهی شده است^۱ و این عمل ریختن و انتقال این دارو به رحم زن نامحرم زشت و از فواحش به شمار می آید.

در لغت آمده که فاحشه یعنی هر فعل یا قول زشت (معین، ذیل کلمه «فاحشه») و گفته‌اند هر آنچه خدا از آن نهی کرده باشد (اقرب الموارد) حال یا فاحشه برای هر چیزی که عرفاً زشت و قبیح باشد و یا برای آنچه در واقع و نفس الامر قبیح است وضع شده است و راه کشف اینکه چه چیزی در واقع زشت و قبیح است تشخیص عرف است؛ یعنی قبیح دانستن چیزی از نظر عرف کاشف از قبیح آن در واقع و نفس الامر است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. و این در حقیقت نوعی اطلاق مقامی است؛ و نظیرش در مورد ظلم گفته شده است که ظلم حرام و قبیح است و ظلم یعنی تضييع حق؛ و منظور یا ظلم و خلاف حق عرفی است و یا ظلم و خلاف حق واقعی؛ و راه تشخیص آن نظر عرف است. بر این اساس هر آنچه عرفاً قبیح باشد مطابق آیات ممنوع است یا از این جهت که فاحشه وضع شده است برای هر آنچه عرفاً قبیح است و یا از این جهت که قبیح از نظر عرف، به اطلاق مقامی حجت بر قبیح واقعی است، بنابراین انتقال منی مرد به رحم نامحرم از امور مستقبحه است چه اجزای اسپرمی منی باشد و چه اجزای غیر اسپرمی آن.

مناقشه در تطبیق

برخی در رد این استدلال گفته‌اند منظور از فاحشه در این آیات عمل مستقبیح عرفی نیست چرا که بسیاری امورات در عین اینکه عرفاً قبیح هستند؛ اما جایزند مثل اینکه کسی دخترش را متعه دیگری کند و این طور نیست که این امور از آیات به تخصیص خارج باشند پس مراد از فحشا در این آیات معاصی و محرّمات است و بر این اساس نمی توان با آنها حرمت چیزی را اثبات کرد. (محمدی قائینی، ۱۴۰۰،

<https://B2n.ir/bb5367>

لکن به نظر می آید این جواب ناتمام است و در حقیقت خلط است بین اموری که قبیح است و اموری که آشکارکردن آنها زشت است. بین استقباح و استحیا تفاوت است. خیلی از امور هستند که قبیح نیستند؛ اما آشکارکردن آنها زشت است

و حیا اقتضا می‌کند که آشکار نشوند؛ مثلاً جنابت و احتلام امر قبیحی نیست؛ اما حیا دارد و آشکارکردن آن خوب نیست.

اما درعین حال استدلال هم ناتمام است و فاحشه به معنای هر معصیت و گناه یا به معنای زشت و قبیح نیست؛ بلکه کارهای خیلی زشت و گناهان خیلی بزرگ را فحشا می‌گویند. راغب در مفردات می‌گوید فاحشه یعنی گناه بزرگ. اموری که زشتی آنها از حد عادی خارج است و معاصی بزرگ و کبیره است، لذا اموری مثل زنا و لواط فاحشه هستند.

پس مفاد این آیات نهی از گناهان بزرگ است. اگر شارع خودش دخالت نمی‌کرد و گناهان بزرگ را مشخص نمی‌کرد برای دفع اجمال به اطلاق مقامی تمسک می‌شد و گفته می‌شد که فاحشه همان گناهی است که از نظر عرف گناه بزرگ محسوب می‌شوند و از جمله آنها مثلاً انتقال اجزای غیر اسپرمی مرد بیگانه در رحم زن نامحرم ولو برای تقویت رحم است؛ اما شارع در این میان دخالت کرده است و حداقل تعدادی از گناهان بزرگ را خودش مشخص کرده است و تنزیل آیه بر همین موارد برای دفع اجمال کافی است و جایی برای تمسک به هر آنچه عرف قبیح و مستهجن بداند باقی نمی‌ماند. نتیجه اینکه تمسک به این آیات برای حرمت تلقیح زن با نطفه اجنبی جایز نیست.

۳-۱-۲. صدق تعبیر «غیر زوجه و ملک یمین»
 ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ، إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ، فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ﴾؛ آنان که دامنشان را از آلوده شدن به شهوات حرام حفظ می‌کنند، جز در کام‌جویی از همسران و کنیزانشان که در این زمینه بی‌تردید مورد سرزنش نیستند. پس کسانی که در بهره‌گیری جنسی راهی غیر از این می‌جویند متجاوز از حدود حق‌اند. (مؤمنون: ۵-۷ و معارج: ۲۹-۳۱)

تقریب استدلال به این آیه، نظیر آیات دیگر است که حفظ فرج در آنها اطلاق دارد و شامل حفظ فرج از طلب ولد از راه انتقال اسپرم مرد بیگانه یا جنین متکون از اسپرم و تخمک مرد و زن بیگانه و همین‌طور شامل حفظ فرج از انتقال اجزای غیر اسپرمی منی مرد بیگانه از راه این فرج به رحم زن نیز می‌شود. یعنی بر مرد مؤمن

واجب است که منی خود را از رحم زنی که بر او اجنبی است حفظ نماید همچنین ذیل آیه «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ» دلالت می‌کند که هر عمل منافی با حفظ فرج تعدی و تجاوز از حدود شرعی است مگر اینکه از راه ازدواج یا ملک شرعی انجام گیرد.

مناقشات در تطبیق و پاسخها

اشکال این است که آیه قابل اطلاق‌گیری نیست (خرازی، زمستان ۱۳۷۷، ص ۵۵ - ۷۷) چون به قرینه آیات قبل و بعد که در مقام توصیف انسان‌های مؤمن و نمازگزار است، آیه در مقام بیان تفصیل خصوصیات نیست؛ بلکه به نحو اجمال می‌گوید که از خصوصیات انسان مؤمن این است که حفظ فرج می‌کند پس اطلاق آیه موضوع محل بحث را نمی‌گیرد.

جواب از این اشکال این است که قرینه‌ای وجود ندارد که بگوییم اوصاف به نحو اجمالی است و اصل اولی در هر خطابی که به عنوان موضوع حکم و متعلق آن ذکر می‌شود این است که در مقام بیان تمام خصوصیات حکم باشد و الا در مقام اجمال بودن قرینه خاصه می‌خواهد.

همچنین ذیل آیه که دلالت دارد هر عمل و کار منافی با حفظ فرج، تعدی و تجاوز از حدود الهی است شاهد بر این است که آیه در مقام بیان تفصیل خصوصیات و بیان حکم شرعی است و در مقام اجمال‌گویی نیست.

اشکالی دیگر بر استدلال (سیستانی، ۲۰۰۴، ص ۵۲) این است که آیه اختصاص به حفظ فرج بر مردان دارد؛ چون در آن صیغه جمع مذکر آمده است؛ لذا اگر مردی از طریق حلال با زن خود نزدیکی کند و بعد منی خود را در آزمایشگاه نگهداری کند و بعد زن اجنبی بدون اطلاع او این اسپرم را داخل رحم خود کند یا اینکه پزشکی اجزای غیر اسپرمی منی او را برای تقویت رحم زن دیگر استفاده کند، عملی که منافات با حفظ فرج باشد توسط مرد انجام نگرفته است، لذا آیه شامل این مورد نخواهد شد و لازم می‌آید که این فرض جایز باشد.

جواب این است که حفظ فرج در آیه برای شخص مکلف ثابت شده است و زن و مرد بودن دخالتی در آن ندارد همان‌طور که در بسیاری از آیات خطابات جمع مذکر کنایه از جنس و طبیعی مکلف است و زن و مرد بودن دخالتی ندارد؛ لذا حفظ

فرج بر زن مسلمان هم واجب است چنانچه در آیات دیگر این معنا آمده است و در آیه ۲ احزاب به صورت عطف آمده: ﴿وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ﴾، لذا وظیفه حفظ فرج اختصاص به مردها ندارد؛ بلکه وظیفه هر فرد مسلمان و مکلف است. بنابراین بر زن مسلمان نیز حرام است اجازه دهد اسپرم غیر شوهرش یا اجزای غیر اسپرمی منی او در رحمش وارد شود و این عمل منافات با حفظ فرج دارد. لذا اگر مرد با اختیار منی‌اش را در اختیار زن اجنبی قرار دهد و او آن را داخل رحم خود کند دو حرام واقع خواهد شد یکی مربوط به مرد و دیگری مربوط به زن. لکن این جواب قابل قبول نیست چرا که آیه مربوط حفظ و نگهداری فرج از امورات جنسی است و اگر غیر از زنا و اعمال استمتاعی جنسی را در برگیرد، حداکثر اعمال مربوط به استیلا و فرزندآوری از راه اسپرم مرد بیگانه را شامل می‌شود و شامل مورد بحث (انتقال اجزای غیر اسپرمی) نمی‌شود چرا که نه استمتاع است و نه عمل جنسی و نه متناسب با استیلا و لذا از مناسبات حفظ فرج و از مصادیق «وراء ذلک» نخواهد بود.

۴-۱-۲. صدق «اقرار نطفه» و «وضع نطفه»

اولین روایت قابل استناد، خبر علی بن سالم است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ أَفْرَأُ نُطْفَتَهُ فِي رَحِمِ يَحْرُمُ عَلَيْهِ؛ شَدِيدَتَرِينَ مَرْدَمٍ - از نظر عذاب - در روز قیامت، کسی است که نطفه‌اش را در رحمی که بر او حرام است، قرار داده باشد.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۴۱)

مفاد روایت حرمت قراردادن نطفه در رحم زنی است که وطی او حرام است، پس هر جایی جماع با زنی برای کسی حرام باشد، قراردادن نطفه در رحم او نیز برای آن فرد حرام است و روایت اطلاق دارد؛ یعنی قراردادن نطفه حرام است هر چند به غیر جماع مثل انتقال منی یا جزئی از آن در قالب یک داروی تقویتی برای رحم باشد.

علاوه بر این در این روایت عنوان «رجل» آمده است؛ اما بر اساس قاعده گفته شده، الغاء خصوصیت از تعبیر «رجل» معلوم می‌شود روایت حکم زن را نیز بیان می‌کند. درست است که زن نطفه ندارد تا آن را در رحم قرار بدهد؛ اما مفاد روایت

بعد از الغای خصوصیت این است که کاری که برای مرد حرام است برای زن هم حرام است و کار حرام مرد قراردادن نطفه‌اش در رحم زن است پس برای زن قراردادن نطفه مردی اجنبی را در رحمش حرام است.

بنابراین قراردادن نطفه نامحرم در رحم زن، عمل حرامی است حتی اگر کسی اسباب و مقدمات این کار را فراهم کند او نیز مرتکب حرام شده است؛ چون خود تسبیب به حرام، حرام است و این حرمت از خود ادله محرمانه با قطع نظر از ادله حرمت اعانه بر اثم استفاده می‌شود؛ علاوه بر این تسبیب به حرام، جایز نیست حتی اگر شخص مباشر، معذور باشد چه برسد به جایی که عمل بر خود مباشر هم حرام باشد که مسئله مورد نظر این گونه است.

باید دقت شود که این نکته و دلیل «تسبیب به حرام» غیر از نکته «استناد فعل به شخص فاعل» است. مواردی که فعل به سبب مستند و منسوب است، مشمول اطلاق خود دلیل حرمت است؛ و در مواردی که فعل به سبب مستند نیست، باز هم از ادله محرمانه، میتوان حرمت تسبیب استفاده نمود بدلیل الغای خصوصیت؛ یعنی از دلیل حرمت استفاده می‌شود که وقوع این کار مبعوض شارع است و فاعل خصوصیت ندارد.

علاوه بر این، روایت به صورت مطلق و بدون قید قراردادن منی را در رحمی که برای صاحب منی حرام است گناه و حرام به شمار آورده است، بنابراین اطلاق روایت، شامل قراردادن جزئی از منی را در رحم اجنبیه نیز خواهد بود.

روایت دیگری شبیه روایت قبل که در اینجا قابل استناد است روایت مذکور در اشعثیات است.

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا مِنْ ذَنْبٍ أَكْبَرَ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَعْدَ الشُّرْكِ مِنْ نُطْفَةِ حَرَامٍ وَضَعَهَا امْرَأٌ فِي رَحِمِ لَأ تَحِلُّ لَهُ»؛ هیچ گناهی نزد خدای تبارک و تعالی بعد از شرک بزرگ‌تر از این نیست که شخصی نطفه حرامی را در رحمی که بر او حلال نیست قرار دهد. (کوفی، بی تا، ص ۹۹)

از تعبیر مرحوم ابن طاووس که سند روایت تا امام کاظم علیه السلام را توثیق کرده است و آن را سند عالی دانسته و اینکه شیخ مفید از فرزندان امام کاظم علیه السلام تعریف کرده و

کسی از آنها را استثنا نکرده است معلوم می‌شود سند روایت معتبر است. (قائینی، ۱۴۰۰، <https://B2n.ir/bb5367>)

وقتی امام می‌فرماید هیچ گناهی بعد از شرک بزرگ‌تر از وضع نطفه در رحم زن غیر حلال نیست؛ یعنی یکی از محرّمات بزرگ الهی وضع و اقرار نطفه در رحم زن اجنبی است و این وضع نطفه اطلاق دارد، واردشدن نطفه مرد به رحم زن اجنبی به هر شکلی را شامل می‌شود خواه با مقاربت باشد یا تلقیح مصنوعی و خواه به همراه ترکیبی از مواد دیگر در قالب دارویی برای تقویت رحم زن اجنبیه جهت جذب بهتر جنین یا نگهداری بهتر آن در طول دوران بارداری.

مناقشه در شمول

با توجه به معنای لغوی و عرفی، نطفه منی مرد است که شامل اسپرم باشد یا نطفه، تخمک زن است یا منظور ترکیب لقاح یافته اسپرم و تخمک است، لذا اگر عناوین «اقرار و وضع نطفه» شامل جزئی از منی گردد؛ آن جزئی را شامل می‌شود که دارای اسپرم باشد؛ لکن آن جزئی از منی مرد که فاقد اسپرم باشد را در بر نمی‌گیرد که در این داروی تقویت رحم هم فرض این است که از اجزای غیر اسپرمی منی استفاده می‌شود؛ بنابراین حتی بنا بر نظریه قائلین به عدم جواز انتقال مصنوعی اسپرم یا جنین به رحم اجنبیه، انتقال این دارو و استفاده از آن برای تقویت رحم بدون اشکال است.

۵-۱-۲. صدق تضييع نطفه

ممکن است به روایت اسحاق بن عمار استدلال شود؛
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الزَّيْنِيُّ أَشْرُّ أَوْ شُرْبُ الْخَمْرِ وَ كَيْفَ صَارَ فِي الْخَمْرِ تَمَانِينُ وَ فِي الزَّيْنِيِّ مِائَةٌ فَقَالَ يَا إِسْحَاقُ الْحَدُّ وَاحِدٌ وَ لَكِنْ زَيْدٌ هَذَا لِتَضْيِيعِهِ النَّطْفَةَ وَ لَوْضَعِهِ إِيَّاهَا فِي غَيْرِ مَوْضِعِهَا الَّذِي أَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۶۲) «زنا بدتر است یا شرب خمر؟ و چرا شرب خمر هشتاد تازیانه دارد؛ ولی زنا یکصد تازیانه؟ حضرت فرمود: ای اسحاق حدّ یکسان است؛ ولی زیادی تازیانه در زنا به جهت ضایع نمودن نطفه و قرارداد آن در غیر از جایگاه مشروعش که خداوند به آن دستور داده است.»

موضع و جایگاه مشخص و مشروع نطفه همان رحم زوجه است که در آیات مختلف مثل ﴿نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ﴾ (بقره: ۲۲۳) و ﴿فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ﴾ (بقره: ۲۲۲) و... ذکر شده است.

ثبوت این عقوبت زائد بر این فعل، نشان‌دهنده حرمت آن است، پس وضع نطفه در غیر موضعش و در رحم زن اجنبی حرام است و فرقی هم بین انواع وضع نطفه نیست چه به واسطه زنا باشد و چه با تلقیح و ابزار جدید. همچنین مفاهیم عرفی این است که ملاک حرمت و مبعوضیت در نظر شارع، قرارگرفتن نطفه در رحم زن اجنبی و در غیر موضع شرعی آن است؛ لذا فرقی نیست بین اینکه این عمل را خود مرد انجام دهد یا زن یا پزشک و شخص دیگر، بنابراین شامل مورد بحث خواهد شد.

مناقشه در استدلال به روایت تضييع نطفه

اشکال اول عدم اعتبار سند روایت است به دلیل اشتغال سند بر روات ضعیف و مجهول (مؤمن، ۱۴۱۵ق، ص ۸۵) مثل علی بن ابی حمزه (خویی، بی تا، ج ۵، ص ۱۴)

اشکال دیگر اینکه؛ روایت دلالت دارد که وضع نطفه در غیر موضع شرعی خودش در مورد زنا موجب حرمت و عقوبت شدید می شود و اختصاص به مورد زنا دارد؛ یعنی اگر شخص زناکار علاوه بر نزدیکی و مقاربت، وضع نطفه در رحم زن اجنبی کند مرتکب حرام با عقوبت شدید شده است نه اینکه مطلق وضع نطفه ولو اجزای غیر اسپرمی آن در غیر موضع شرعی اش عنوان مستقلی برای حرمت باشد (خرازی، زمستان ۱۳۷۷، صص ۵۵ - ۷۷) چون روایت در مورد زنا است.

این اشکال وارد نیست چرا که مفاهیم عرفی از روایت این است که خود وضع نطفه در غیر موضع مقرر عنوان مستقلی برای حرمت و عقوبت است و این عنوان مبعوضیت استقلالی دارد چه به طریق متعارف (زنا) انجام پذیرد یا توسط تلقیح مصنوعی یا اینکه بخشی از منی و پماد تقویت به رحم منتقل گردد. (مؤمن، ۱۴۱۵، ص ۸۴) هرچند روایت در مورد زنا وارد شده است.

اشکال سوم این که عبارت «لتضييعه النطفة و لوضعه...» علت برای حکم صدر روایت - تشدید عقوبت زنا از شرب خمر - نمی باشد تا عمومیت استفاده شود.

۱۴۵ (سیستانی، ۲۰۰۴م، ص ۶۴) چون اگر علت باشد باید در موارد زنا بدون افراغ منی در

رحم اجنبی حد زانی (صد ضربه) منتفی شود و حد آن همان هشتاد ضربه باشد؛ در حالی که قطعاً این طور نیست و حد زنا مطلقاً چه همراه با افراغ منی در رحم اجنبیه باشد یا نباشد همان یک صد ضربه است.

در نتیجه این عبارت علت نمی باشد و عمومیت برداشت نمی شود و حکم آن شامل مسئله مورد بحث (انتقال اجزای منی در رحم) نمی شود؛ بلکه نهایتاً از قبیل حکمت است و دیگر قابل تعمیم و تعدی از مورد زنا به سایر موارد نمی باشد.

در پاسخ می توان گفت گرچه وقوع نطفه در غیر موضع شرعی خود از قبیل حکمت باشد؛ ولی در روایت، ثبوت حد برای عمل زنا به جهت همین معرضیت افراغ نطفه در غیر موضعش است، یعنی همین معرضیت زنا برای وقوع نطفه در غیر موضع شرعی خود موجب ازدیاد عقوبت زنا از شرب خمر شده است، در نتیجه در مواردی که خود وقوع نطفه در رحم اجنبی محقق شود به طریق اولی حرام خواهد بود. (شوپایی، ۱۳۹۲، <https://B2n.ir/fs7627>) پس گرچه حکمت به لحاظ غالب موارد است که در زنا افراغ منی در رحم اجنبی بشود؛ ولی شارع به لحاظ اهمیت جلوگیری از این امر شنیع در موارد غیر غالب هم حکم به حرمت و عقوبت و ثبوت حد نموده است و حکم شرعی را در دائره اوسع، جعل نموده است.

اما به نظر می آید (قائینی، ۱۴۰۰، <https://B2n.ir/bb5367>) دلالت تمام نیست چون شاید جعل نطفه با زنا خصوصیتی داشته باشد.

بعلاوه در فرض بحث که از پماد تقویت رحم ترکیب یافته اجزای غیر اسپرمی منی استفاده می شود انتقال آن به رحم مصداق این روایت نخواهد بود چرا که اگر هم بپذیریم روایت انتقال منی و نطفه از طریق غیر زنا را شامل می شود اینکه انتقال اجزای غیر اسپرمی منی را هم شامل شود بسیار بعید است؛ چون حداکثر اگر زنا در روایت موضوعیت نداشته باشد انتقال نطفه یعنی اسپرم تبدیل شونده به فرزند در روایت دارای اهمیت است.

۶-۱-۲. صدق افراغ ماء

روایت دیگری که در مقام وجود دارد روایت سلیمان بن داود است: «الْبَيْتِيُّ لَنْ يَعْمَلَ ابْنُ آدَمَ عَمَلًا أَكْبَرَ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِنْ رَجُلٍ قَتَلَ نَبِيًّا أَوْ إِمَامًا أَوْ هَدَمَ الْكَعْبَةَ

الَّتِي جَعَلَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قِبْلَةً لِعِبَادِهِ أَوْ أْفَرَّغَ مَاءَهُ فِي امْرَأَةٍ حَرَامًا» (شیخ صدوق، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۰۹ و ۱۲۰)، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هرگز فرزند آدم، عملی بزرگ‌تر در زشتی از قتل پیامبر یا امام و نابودی کعبه که خدا آن را قبله بندگان قرار داده و قراردادن نطفه‌اش به حرام در زن اجنبی انجام نمی‌دهد.

روایت در من لا یحضره الفقیه (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۵۹) مرسل و در خصال (صدوق، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۲۰) مسند است.

استدلال به روایت اینکه؛ انتقال جزئی از منی به رحم زن اجنبیه جهت تقویت رحم، «افراغ ماء در رحم حرام» خواهد بود و این عنوان بر آن صدق می‌کند و بنا بر تمام بودن سند روایت، دلالت روایت برای اثبات حرمت استفاده از این پماد تمام است.

مناقشه در صدق و تطبیق افراغ ماء

۱. اشکال دلالی استدلال اینکه؛ در روایت کلمه (حراماً) صفت برای مصدر مقلدَر است یعنی عبارت این‌طور بوده «أفراغ أفرأغاً حراماً»، لذا موضوع حرمت در روایت، افراغ حرام است و این روایت مشخص نمی‌کند که کدام افراغ حرام و کدام غیرحرام است، بلکه باید حرمت آن با توجه به ادله دیگر مشخص شده باشد لذا در محل بحث که شک در اصل حرمت افراغ منی یا جزئی از منی در رحم اجنبی می‌شود تمسک به این روایت نمی‌توان کرد چون از قبیل تمسک به دلیل در شبهه مصداقیه خود دلیل است که جایز نیست، چون تا زمانی که موضوع احراز نشود که این مورد افراغ حرام است، نمی‌توان به این روایت تمسک کرد و در محل بحث اینکه افراغ اجزای غیر اسپرمی منی در رحم اجنبی حرام است یا نه، اول کلام است و هنوز ثابت نشده است. برخلاف روایت قبلی که موضوع «إفراغ ماء فی رحم امرأة تحرم علیه» افراغ منی در رحم زن حرام بود که حرام صفت امرأة و زن بود که افراغ منی در رحم حرام شامل محل بحث هم می‌شد. (سیستانی، ۲۰۰۴، ص ۵۹؛ خرازی، زمستان ۱۳۷۷، صص ۵۵ - ۷۷)

در نتیجه روایت دلالت بر شدت عذاب افراغ منی حرام دارد که متیقن از آن، زنا است و خود واقع شدن این عنوان در ردیف قتل نبی و امام و هدم کعبه شاهد بر این است که مراد از افراغ حرام، همان زنا است. (ظھیری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۴۳)

اشکال سندی: روایت معتبر نمی‌باشد؛ چون بنا بر فقیه این روایت مرسله است؛ و مرسلات صدوق بنا بر مشهور مطلقاً حجیت ندارد، مگر طبق مبنای برخی از بزرگان (محقق نائینی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۶۲) و بنا بر نقل خصال در سند، قاسم بن محمد الاصفهانی واقع شده که توثیق ندارد. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۱۵)

۲-۲. استدلال به قضاوت مذاق شارع و سیره متشرعه

۲-۲-۱. کشف مذاق شارع

با بررسی ادله مختلف و تجمیع قرائن و استظهار مجموعی می‌توان رأی و نظر شارع را در بعضی موارد کشف کرد گرچه آیه و روایت خاصی در آن مورد نباشد که از آن به کشف مذاق شارع تعبیر می‌شود. در محل بحث با توجه به آیات و روایات مختلف در نحوه تعامل زن مسلمان با نامحرم و شئون زن مسلمان و علقه زوجیت می‌توان مذاق شارع را نسبت به افراغ منی مرد در رحم زن اجنبی ولو اجزای غیر اسپرمی این منی کشف نمود و اطمینان به حرمت و قبح این عمل پیدا نمود. به عبارت دیگر با ملاحظه مجموع آیات و روایات باب نکاح و زنا و ادله حفظ فرج و احتیاط در باب فروج و اختلاط میاه و نسب و... می‌توان از مذاق شارع اطمینان حاصل کرد رحم زن باید موضع و جایگاه منی شوهر خود باشد و باردارشدن زن از منی مرد اجنبی و افراغ منی و جنینی اجنبی و حتی انتقال اجزای غیر اسپرمی - منی خالی از اسپرم - جهت تقویت رحم نه فرزندآوری مبعوض شارع مقدس است و حرام و معصیت است.

۲-۲-۲. بررسی ارتکاز متشرعه

ارتکاز متشرعه بر قبح و حرمت افراغ منی در رحم زن اجنبی ولو اجزای غیر اسپرمی منی مرد نامحرم، ثابت است چرا که این عمل از امور مستنکره و ناپسند نزد متشرعه است و اختصاص به زمان و مکان خاص ندارد و این ارتکاز عام متشرعه کاشف از تلقی آن از شارع مقدس است.

لذا اگر کسی در دلالت آیات و روایات بر افراغ منی مرد نامحرم ولو اجزای غیر اسپرمی آن در رحم زن اجنبی شک و تردید ایجاد کند، این ارتکاز متشرعه امری

وجدانی است که می‌تواند به عنوان دلیل بر حرمت این عمل پذیرفته شود. ممکن است اشکال شود که شاید این ارتکاز متشرعه بما هو متشرعه نباشد؛ بلکه نشئت گرفته از برخی آداب و عقاید قومی و قبیله‌ای باشد که مدعی‌اند زن نباید در معرض این امور قرار بگیرد و آلا از آن جامعه مطرود می‌شود مثل رانندگی زنان یا تصدی برخی از مشاغل در برخی اقوام که از مستنکرات شمرده می‌شود. بنابراین، با کمی دقت در رفتار متشرعین استنتاج می‌شود ارتکاز در محل بحث نیز، از همین قبیل باشد که منشأ آن، ذهنیت قومی و عشیره‌ای و سلاقی طایفه‌ای از متشرعین باشد و مدرک شرعی ندارد بلکه از شدت غیرت و تعصب خاص متشرعه و متدینین نشئت گرفته است؛ ولی می‌توان در پاسخ گفت که ارتکاز در محل بحث این‌طور نیست؛ بلکه ارتکاز و ذهنیت عامی است که در بین همه اهل شرع و دیانت وجود دارد و همه اهل شرع انتقال اجزای منی مرد اجنبی به رحم زنی که علقه زوجیتی با آن ندارد را امری مستنکر و قبیح می‌دانند نه این که گروه و قوم خاصی یا در زمان خاصی این ذهنیت را داشته باشند، چون اگر این‌طور بود با اختلاف اقوام یا زمان‌ها مختلف می‌شد در حالی که شناخت و قباحت این امر، پیش همه متشرعه با سلاقی و روحيات مختلف ثابت است به طوریکه متشرعه استیلا را از شئونات زوجیت به حساب می‌آورند و باردار شدن زن از منی مرد اجنبی را نوعی خیانت و عدم امانت نسبت به همسر قلمداد می‌کنند. (مرتضوی، ۱۳۹۹، ص ۵۴) لذا قبیح بودن انتقال اجزای منی مرد نامحرم ولو اجزای غیر اسپرمی آن به رحم زن بدون علقه زوجیت و نکاح شرعی ولو صرفاً برای تقویت رحم، از مرتکبات عام متشرعه است که در همه نسل‌ها و زمان‌ها بوده است و کاشف از رأی معصوم علیه السلام است.

مناقشه در مذاق و ارتکاز

در مناقشه دو دلیل مذاق و ارتکاز می‌شود گفت که حتی اگر چنین سیره و مذاقی در مورد منع استقرار منی و نطفه در رحمی غیرحلال ثابت باشد که برای استیلا و فرزندآوری انجام می‌گردد تسری آن به انتقال اجزای غیر اسپرمی منی مرد نامحرم به رحم زن اجنبیه که امروزه موضوع آن پدیدار شده است، قابل اثبات نیست؛ علی‌الخصوص در فرضی که صرفاً جهت تقویت رحم برای جذب یا نگهداری

فرزند حاصل از شوهر زن مورد استفاده قرار می‌گیرد و این‌گونه ادله مثل ارتکاز و مذاق اجمالاً نیاز به ذکر قرائنی واقع شده در زمان شارع دارد و چون این موضوعات مستحدثه هستند اثبات مذاق و سیره متشرعه در مورد آنها قابل تردید است و صرف آمدن تردید و وجود احتمالی قرائن مقابل و احتمال عدم وجود این سیره و مذاق در مورد این موضوع مستحدث برای عدم دلالت این دلیل برای اثبات حکم عدم جواز برای این موضوع مستحدث، کافی است.

علاوه بر این، اشکالاتی در حجیت این دو دلیل در جای خود طرح می‌شود مثل اینکه سیره متشرعه به شرطی حجت است که کاشف از قول معصوم باشد که در این مسئله اثبات چنین سیره‌ای که کاشف از قول معصوم باشد بسیار سخت است. همین‌طور راجع به وجود مذاق شارع اشکال می‌شود که همان ادله‌ای که چنین مذاقی را در این حکم اثبات می‌کند باید تک‌تک مورد بررسی قرار گیرد و دلیل مذاق، خود دلیل جداگانه‌ای نیست. در هر صورت به طور خلاصه باید گفت این دو دلیل حجیت‌شان مبنایی است.

نتیجه‌گیری

الف) از نظر موضوع‌شناسی پس از شناخت اجزای غیر اسپرمی منی مرد و پس از شناخت اندام مؤثر زن در بارداری مثل رحم و تخمدان‌ها و بررسی شیوه‌های تقویت رحم و تخمدان‌ها این نتیجه گرفته شد که به لحاظ پزشکی اجزای غیر اسپرمی منی مرد اگر به طریقی در قالب پماد تقویتی وارد رحم زن گردد سبب تقویت رحم برای جذب و نگهداری بهتر جنین می‌شود.

ب) در تبیین حکم فقهی این مسئله با دقت در دلالت نصوص معلوم گردید که در آیات و روایات مورد تمسک برای استدلال به حرمت عمل انتقال اجزای غیر اسپرمی منی مرد بیگانه به رحم زن نامحرم برای تقویت رحم، تعابیری مانند «حفظ فرج» «فاحشه» «وراء ذلک» «اقرار نطفه» «وضع نطفه» «تضییع نطفه» «افراغ ماء» مرتبط با این موضوع وارد شده است.

ج) نتیجه دیگر این است که طبق یک نظر و رأی می‌توان ادعا نمود که از این تعابیر ممنوعه موجود در نصوص دین و اطلاق یا عموم آنها، برای اثبات حرمت

انتقال اجزای غیر اسپرمی منی مرد اجنبی به رحم زن کفایت می‌کند؛ به این بیان که در هر کدام از نصوص مشتمل بر این عبارات با یک لسانی مثل عمومیت یا اطلاق، عمل انتقال اجزای غیر اسپرمی منی مرد اجنبی به رحم زن، مورد نهی شارع قرار گرفته است.

د) با بررسی دقیق‌تر تعبیری که با نگاه اولیه ادعا شده قابل تطبیق بر این عمل است و حرمت این انتقال را ثابت می‌کند، معلوم می‌گردد که ادله و نصوص و تعبیر منهی موجود در آن مربوط به اعمال نهی شده جنسی و استمتاعی یا حداکثر مربوط به استیلا و تولید فرزند است؛ چرا که با بررسی قرائن موجود در نصوص دیگر مرتبط به این حکم و موضوع، و با دقت در مذاق شریعت، و با اشکالاتی که در ذیل هر کدام از ادله بیان شد می‌توان به این نتیجه رسید که مناسبت حکم و موضوع در این ادله نشان می‌دهد این گونه نهی مربوط به اموراتی از موضوع فرج مثل زنا و استمناء و... است که در لسان دیگر ادله نیز نهی شده است؛ لذا شمول آنها نسبت به انتقال اجزای غیر اسپرمی منی قابل پذیرش نیست پس با اصل براءت و اباحه، حلیت و جواز استفاده از این دارو برای تقویت رحم، اثبات می‌گردد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت.
۲. خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۱ق). کتاب البیع. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. خوئی، سید ابوالقاسم (بی تا). معجم رجال الحديث. قم: موسسه الامام الخوئی.
۴. زمخشری، جارالله (۱۳۸۵ق). الکشاف فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیا التراث العربی.
۵. سند البحرانی، محمد (۱۴۲۳ق). فقه الطب. بیروت: چاپ دوم، موسسه ام القری.
۶. سیستانی، سید محمدرضا (۲۰۰۴م). وسائل الانجاب الصناعیة. بیروت: دار المؤرخ العربی.
۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۹۱ق). النخصال. نجف اشرف: نشر الحیدریة.
۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۹۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلامیة.
۱۰. ظهیری، عباس (۱۳۸۷ش). معتمد تحریر الوسیلة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۴۰۷ق). بررسی فقهی حقوقی تلقیح مصنوعی. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
۱۲. کشی، محمد بن عمر بن عبدالعزیز (۱۳۹۰ق). رجال کشی. مشهد: دانشگاه مشهد.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۱۴. کوفی، محمد بن محمد اشعث (بی تا). الأشعثیات. تهران: مکتبه نینوی.
۱۵. مرتضوی، سید محسن (۱۳۹۹ش). تلقیح مصنوعی درآینه فقه. مشهد: حوزه علمیه خراسان.
۱۶. معین، محمد (۱۳۸۸ق). فرهنگ فارسی معین. تهران: امیرکبیر.
۱۷. مؤمن قمی، محمد (۱۴۱۵ق). کلمات سدیة فی مسائل جدیدة. قم: موسسه النشر الاسلامی.
۱۸. نائینی، حسین (۱۴۱۱ق). کتاب الصلاة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق). رجال النجاشی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

مقالات:

۱. خرازی، سید محسن (زمستان ۱۳۷۷). حکم نقاشی و مجسمه سازی از نگاه شریعت. فقه اهل بیت (ع) ۴ (۱۶)، ۵۵ - ۷۷.
۲. رضایا معلم، رضا، «تابستان و پاییز ۱۳۸۲» قوانین و مبانی مشروعیت باروری های پزشکی؛ «مجله رهنمون - شماره ۳ و ۴، ۴۲ - ۵۰، دستیابی ۶ آبان ۱۴۰۱، <https://B2n.ir/kq7725>

منابع اینترنتی:

۱. "Seminal plasma: an essential physiological modulator of human conception"؛ 1404/5/5، <https://www.frontiersin.org/articles/10.3389/fimmu.2018.00291/full>.

۲. Effects of seminal plasma on the female reproductive tract and fertility؛ 1404/5/5،
<https://rep.bioscientifica.com/view/journals/rep/5/146/R161xml>.
۳. محمدی قائینی؛ محمد، درس خارج بهمن ۱۴۰۰، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام، سایت مدرسه
 فقاہت، دستیابی ۴ آبان ۱۴۰۰، <https://B2n.ir/bb5367>
۴. نجفی یزدی، سید محمد، نشست پانزدهم فقه پزشکی مرکز فقهی ائمه اطهار، ۲۰ مهر ۱۴۰۲،
<https://B2n.ir/kd9754>
۵. طباطبائی قمی، سید رضا، درس فقه پزشکی، مرکز فقهی ائمه اطهار، بهمن ۱۴۰۱،
<https://B2n.ir/kd9754>
۶. شوپایی جویباری، حسین، ۱۳۹۲ش، تقریرات درس خارج فقه، قم، <https://B2n.ir/fs7627>

